

پروردگار من الله است

فارسي



اهمیت دانش به نام ها
و صفات الله تعالی 1

www.with-allah.com/fa



دکتر محمد بن سرار یامی
دکتر عبدالله بن سالم باهمام

شناخت خداوند با استفاده از نام‌ها و صفاتش:

"و خداوند نام‌های نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا]
بخوانید و آنان را که در نام‌هایش کجروی می‌کنند، رها کنید،
[سزای] آنچه را می‌کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

<https://www.wiki-allah.com/fa>

خداوند ارجمند و با عظمت را بشناس

سوم: خداوند را با استفاده از اسماء و صفاتش بشناس

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و خداوند نامهایی نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که در نامهایش کجروی می کنند، رها کنید، [سزای] آنچه را می کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

۱- معنی آیه " و خداوند نام های نیک دارد" :

همگی نام های پروردگار ارجمند و با عظمت، نام های ستوده هستند و خداوند آنها را به این وصف کرده است که آن ها نیکو هستند و فرموده است: "و خداوند نامهایی نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که در نامهایش کجروی می کنند، رها کنید، [سزای] آنچه را می کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

این ها فقط در لفظ نیکو نیستند بلکه نیکو هستند چون بر وصف کمال دلالت می کنند. تمام نام های پروردگار نام های ستایش، مدح، ثناء و بیان عظمت اومی باشند و به همین سبب نیکویند و تمام صفات او صفات کمال و جلال و تمام افعالش پر از حکمت، رحمت، مصلحت و عدل هستند.



[سزای] آنچه را می‌کردند، خواهند دید"
[سوره اعراف آیه ۱۸۰]

ب- معنی: "پس به آن نام ها او را به دعا بخوانید"

دعا کردن با استفاده از اسمای نیکوی خداوند
دو نوع دعا را شامل می‌شود: دعای درخواست
مانند سخن بنده که می‌می گوید "یا الله به من
بده و یا کریم بر من لطف کن" و دعای مدح
و ثنا و عبادت، مانند بیان عظمت خداوند با
استفاده از اسمای نیکو و صفات او بدون هیچ
گونه درخواستی. این ثنا می‌تواند با قلب و یا
بازبان انجام پذیرد که پروردگار بزرگ و متعال
را با نام های نیکو و صفات برتر می‌ستاید و
تعریف می‌کند.

ج- معنی آیه "و آنان را که در نام‌هایش کجروی می کنند رها کنید" عبارت است از:

کجرویی در نام های پروردگار ارجمند و
باعظمت به معنی انکار یا تکذیب قسمتی از آن
چه در کتاب خداوند آمده و یا تشبیه نمودن نام
های خداوند به چیزی از مخلوقات او یا وصف
نمودن خداوند به آنچه شایسته او نبوده و کلام
خداوند و سنت رسولش بر خلاف آن است.

باور داشتن به نام‌ها و صفات خداوند در
دایره تعریف ایمان اند. همانطور که در کتاب
خداوند و سنت صحیح رسول او صلی الله
علیه و سلم آمده است و این بر اساس دو قاعده
است:

قاعده نخست:

اثبات نمودن نام های خداوند با توجه به
جلال و عظمت خداوند بدون تحریف یا وا
نهادن و کنار گذاردن برخی از اسماء و یا تعیین
کیفیت آنها و این برابر است با کلام خداوند بلند
مرتبه که می‌فرماید: "چیزی مانند او نیست. و
او شنوای بیناست" [سوره شوری آیه ۱۱]

قاعده دوم:

فهم معنای آن و اثبات صفاتی که این اسماء
آن‌ها را در بر دارند، بدون تلاش برای درک
کامل معنا و مفهوم آنها، خداوند بلند مرتبه
می‌فرماید: "آینده و گذشته‌شان را می‌داند
و [انسانها] در دانش به او احاطه نیابند"
[سوره طه آیه ۱۱۰]

خداوند ارجمند و با عظمت هدف غایی از
شناخت اسماء نیکو و صفات برترش را پرستش
او بر این اساس می‌داند. همانگونه که می
فرماید: "بگو: خداوند را بخوانید یا «رحمن»
را بخوانید. هر کدام [نیک است] که خداوند
نامهای نیکو دارد." [سوره اسراء آیه ۱۱۰]

و پروردگار ارجمند و با عظمت می‌فرماید:

"و خداوند نامهای نیک دارد. پس به آن
[نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که
در نامهایش کجروی می‌کنند، رها کنید،

اهمیت دانش به نام ها و صفات الله تعالی:

اهمیت دانش به نام ها و صفات الله تعالی و شرف و علو مقام او در موارد ذیل آشکار می شود:

نخست:

شریف ترین و مهم ترین علم آن است که در باره الله و نام های نیکو و صفات برتر او باشد. به هر میزان شناخت بنده به نام های خداوند و صفاتش افزایش یابد، بهره او از عبودیت و انس با خدا و محبت و تعظیم او افزایش می یابد.

امری که سبب رسیدن به رستگاری و خشنودی خداوند ارجمند و با عظمت و بهشت او می گردد. در آنجا به رویت ذات باری تعالی بهره مند شده و در سرای دیگر مورد اکرام و احترام قرار می گیرد. این موفقیت جز با توفیق و یاری پروردگار ارجمند و با عظمت محقق نخواهد شد.

دوم:

علم به نام های نیکوی پروردگار ارجمند و با عظمت اصل و اساس تمام دانش ها و همچنین اساس ایمان است و نخستین واجب به شمار می رود. هرگاه بندگان خدایشان را شناختند او را آن گونه که شایسته اوست عبادت می کنند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پس بدان که معبود

[راستیني] جز خدا نیست" [سوره محمد آیه ۱۹]

سوم:

شناخت خداوند ارجمند و با عظمت به وسیله اسماء و صفاتش سبب افزایش ایمان و یقین و

محقق شدن توحید و چشیدن طعم عبودیت می گردد. این روح ایمان و اصل و غایت آن است. نزدیک ترین راه به آن تدبیر و تفکر در نام ها و صفات اوست که در قرآن آمده اند، زیرا که پروردگار-همان پروردگاری که تعریف و ستایش او بسیار رفیع است- وقتی که بخواهد بنده اش را عزت و احترام بدهد، دل او را بر محبت خود گرد می آورد و سینه او را برای پذیرش صفات برترش گشاده ساخته و او را از روزن وحی بهر مند می سازد و هرگاه از این روزن چیزی به او برسد آن را می پذیرد و با خشنودی و تسلیم شدن، آن را دریافت می کند و برای طاعت او خاضع شده و قلبش برای او روشن می شود.

جایگاه دانش به جایگاه موضوع آن بستگی دارد و هیچ چیزی شریف تر از شناخت خداوند و اسماء و صفات او نیست

چهارم:

کسی که به پروردگار ارجمند و با عظمت داناست، به درستی افعال و قوانین او از اسماء و صفاتش استدلال می‌گیرد زیرا خداوند متعال چیزی را انجام می‌دهد که آن مقتضای اسماء و صفات او بوده و افعال خداوند متعال در میان عدل و فضل و حکمت می‌گردند. هر آنچه را که از قوانین وضع می‌کند برابر با اقتضای حکمت، فضل و عدل اومی باشد و تمام خبرهای او راست و حق و درست است. او امر و نواهی او عدل، حکمت و رحمت هستند و این دانش آشکار تر، بزرگتر و معروف تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد.

پنجم:

همانگی بسیار محکمی در میان صفات پروردگار ارجمند و با عظمت و میان عبادات ظاهری و باطنی ای که اقتضا می‌کنند وجود دارد. زیرا هر صفت، عبادتی خاص را اقتضاء می‌کند و این در تمام انواع عبادات قلبی و جسمی صدق می‌کند. دانش بنده به اینکه سود و زیان، بخشیدن و گرفتن، آفرینش و روزی دادن، زنده کردن و کشتن فقط از طرف خداوند عالم می‌رسد، برایش عبادت توکل را در باطن به بار آورده و لوازم توکل و بهره‌های آن را در ظاهر به همراه دارد. دانش بنده به سمع و بصر خداوند بلند مرتبه و به اینکه هیچ ذره ای بر او پنهان نمی‌ماند و او به اسرار و امور پنهان در سینه‌ها آگاه است، سبب حفظ زیان و اعضای بدن و وسوسه‌های قلبی، از هر آن چیزی می‌شود که خداوند به آنها خشنود نیست و اگر این اعضاء را به اموری وابسته کند که محبت و

و سینه‌اش به آن گشایش یابد و سرور و شادی و محبت او به آن وارد شده و به این ترتیب سرور و شادی او افزایش یابد. بی‌نیازی او سترگ شود و شناخت او تقویت یافته و روان او به آن آرامش یابد. قلبش به آن تسکین پیدا کرده و در میادین شناخت سیر کند. دیدگان بصیرت او در باغ و بوستان‌های آن خنک شوند تا به این یقین برسد که شرف علم به شرف موضوع آن بستگی دارد و هیچ موضوعی مهمتر و دارای جایگاهی بزرگتر از پروردگار ارجمند و با عظمت نیست. او دارای صفات برتر و شرف و علو جایگاه او به حسب نیاز به او است. بیشترین چیزی که روح و روان آدمی به آن نیاز دارد شناخت خالق و سازنده‌اش می‌باشد. او شیدایا به محبت و یاد و شاد بودن با او و درخواست وسیله به سوی او نیاز دارد و راهی برای رسیدن به این هدف وجود ندارد مگر با شناخت صفات و اسائش، هر چه شناخت بنده به این موارد بیشتر باشد شناخت او به خداوند افزون می‌گردد و هر چه شناخت او کمتر باشد به همین مقدار نسبت به خداوند نادان تر و دورتر می‌باشد و جایگاه بنده در نزد خداوند بسته به جایگاه خداوند در نزد بنده دارد.

شناخت خداوند و نام‌های نیکو و صفات او سبب اصلاح قلب و تکمیل شدن ایمان می‌شود.



هشتم:

فهم و درک معانی اسمای الله تعالی و صفات او راهی به سوی محبت، تعظیم، امیدواری، ترس از او، توکل و اعتماد بر او و ناظر دیدن او را به همراه دارد که البته ثمرات شناخت الله تعالی و اسماء و صفات او منحصر به این موارد نیست.

نهم:

اندیشه در معانی اسمای پروردگار ارجمند و با عظمت بزرگترین کمک و یاری برای تدبیر و اندیشه در کتاب خداوند است، زیرا الله تعالی ما را به تدبیر و اندیشه در قرآن کریم دستور داده است، آنجا که فرموده است:

خشنودی خداوند را در پی دارد، برایش شرم و آزر درونی به بار می آورد که او را از انجام محرمات باز می دارد. شناخت بنده به بی نیازی، جود و کرم، نیکی و احسان و رحمت او سبب گسترش امید او می شود و همچنین شناخت او به جلال و عظمت پروردگار و عزت او سبب ایجاد فروتنی و خاکساری و محبت می گردد. این حالت های باطنی سبب انواع مختلفی از عبادات های ظاهری می شوند که مقتضای آن شناخت هستند. پس بازگشت تمام عبادات به سوی مقتضای اسماء و صفات است.

ششم:

عبادت بر اساس اسماء و صفات پروردگار آثار بسیار نیکی بر قلب و سلامتی اخلاق و رفتار دارد. همانگونه که و انهدن آنها سبب باز شدن دروازه امراض مختلف قلبی می شود.

هفتم:

دانش به اسماء و صفات پروردگار آرامش خاطری برای بنده است وقتی که در مصائب و مشکلات و سختی ها و نامالیات می افتد. آن گاه که بنده دانست که پروردگار او دانا و با حکمت و عادل است، بر هیچ کس ستم روا نمی دارد، خشنود می شود و شکیبایی پیشه می کند و می داند که تمام این نامالیات که به او می رسند نوعی از مصالح و منافع را در پی دارند، اگر چه او آنها را درک نکند، اما آنها مقتضای دانش و علم و حکمت خداوند هستند. پس آرامش می یابد و به نزد خدایش آرام می گیرد و کار خود را به خداوندش وامی گذارد.



دهم:

دانش به نام های پروردگار ارجمند و باعظمت سبب ایجاد ادب نسبت به خداوند و حیا از او می گردد. ادب با خداوند همان قیام به انجام دادن دستورها و متخلق شدن به ادب ظاهری و باطنی است و برای هیچ کس ادب با خداوند محقق نمی شود مگر به دانستن سه چیز: شناخت اسماء و صفات او، شناخت دین و شرع او و آگاهی از آنچه که وی دوست دارد و آنچه که دوست ندارد. نفس آدمی چه از جنبه علمی، چه عملی و چه از نظر چگونگی قابلیت و استعداد پذیرش حق را داراست.

یازدهم:

شناخت پروردگار ارجمند و باعظمت با توجه به اسماء و صفات او، بنده را متوجه عیوب و نقایص نفس خود کرده و برای اصلاح آن ها تلاش می کند. پایه های انکار حق چهار چیزند: تکبر، حسادت، خشم و شهوت. سرمنشاء این چهار امر جهل بنده به خدا و به خودش می باشد. اگر او پروردگار خود را با صفات کمال و جلال بشناسد و به نفس خود با نقایص و آفات موجود در آن واقف باشد، هرگز تکبر اختیار نکرده، برای آن خشم نمی گیرد و بر هیچ کس نسبت به آنچه خداوند به او داده است حسادت نمی ورزد.

دوازدهم:

نادانی بنده به اسماء و صفات الله تعالی و درک نکردن آنها و نپرستیدن خداوند براساس آنها، سبب گمراهی و نادانی است. کسی که خدا و رسولش را نشناخت، چه چیز را شناخته؟ و کسی که این حقیقت را درک نکرد به چه

"کتابی است خجسته که آن را بر تو فرورستاده‌ایم تا [انسانها] در آیه‌هایش تدبّر کنند و تا خردمندان پند گیرند" [سوره ص آیه ۲۹]

با توجه به اینکه در قرآن کریم فراوان از نام ها و صفات متعلق به آن یاد شده است، پس با تدبّر در آنها دروازه بزرگی از تدبّر قرآن گشوده می شود. آنگاه که در این امر تدبّر کردی پادشاهی پابرجا که بالای آسمان ها بر عرش خود قرار دارد تو را به گواه می گیرد. همانی که امر بندگان را تدبیر کرده و امر و نهی می کند. رسولان را می فرستد و کتاب ها را نازل می کند و خشنود می شود و خشمگین می گردد، پادشاه می دهد و کیفیر می رساند، می بخشد و عطا می کند و بازمی دارد، عزیز و سربلند می سازد و خوار و ذلیل می کند، بالا می برد و پایین می کشد، از بالای هفت آسمان می بیند و می شنود و آشکار و پنهان را می داند و به انجام هر چه بخواهد تواناست و به همه صفات کمال توصیف می شود و از هر عیب پاک و منزّه است. هیچ ذره ای و بزرگتر از آن هم بدون حکم او نمی جنبند و هیچ برگی بیرون از علم او از درخت نمی افتد و او دانای با حکمت است.

آن که به خدا رسید چه چیز را از دست داد؟ و آن که خدا را از دست داد به چه چیز رسیده است؟



در آن زیاد تامل نمی شود، تنها توکل نمودن بر خداوند یگانه و اعتنا به این دروازه و تامل کردن در آن اندک است. هرکس شریعت را از مصادر و منابع نخستین مورد بررسی قرار دهد، متوجه رابطه اعمال ظاهری با اعمال قلب می شود و پی می برد که اعمال ظاهری بدون آنها سودمند نبوده و اعمال قلبی نسبت به اعمال ظاهری در اولویت بالاتری قرار دارند. آیا جز در اعمال قلبی تفاوت دیگری در میان مومن و منافق می توان یافت؟ آیا کسی می تواند بدون انجام اعمال قلبی پیش از انجام اعمال ظاهری به اسلام وارد شود؟ و عبادت قلب بزرگتر از عبادت ظاهری بدن و بیشتر و با دوام تر است. اعمال قلب راه انجام اعمال ظاهری و سبب آنها هستند، به همین سبب آنها در هر حال واجب می باشند.

شناخت خداوند پاک سبب
صلاح قلب و بدن است.

حقیقت و دانشی دست یافته و چه کرداری دارد؟ آن که این حقیقت را به دست نیامورد و به خشنودی عمل برای خداوند خشنود نشده و راه رسیدن به او را نیافت بعد از رسیدن به آن چه کمبودی دارد؟ زیرا زندگی واقعی انسان به زندگی قلب و روح او وابسته بوده و قلب بدون شناخت خالق و آفریننده و محبت نسبت به او و برگشت به سوی او و وفار یافتن با ذکر او، آرام گرفتن با نزدیکی به او، هیچ حیاتی ندارد. هرکس این زندگی را از دست داد، همه خیر و نیکی را از دست داده، اگر چه آن را با تمام دنیا عوض کند.

سیزدهم:

دانش به اسماء و صفات پروردگار سبب اخلاص، توحید و تکمیل شدن ایمان می گردد. با وجود اینکه آن دروازه ای بزرگ برای اصلاح قلوب و رهایی دادن آن از وساوس و آفات است، ولی اعمالی چون اخلاص، محبت، خوف و رجاء - بیم و امید-، است اما

قواعد و نکته هایی در فهم اسماء و صفات الله تعالی:

"چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست" [سوره شوری آیه ۱۱]

زیرا چیزی در اثبات و نفی آن به ما نرسیده است. اما معنی آن قابل تفصیل می باشد، اگر مفهوم آن حق و صفتی شایسته پروردگار بود پذیرفته شده و اگر مفهوم مورد نظر آن شایسته خداوند نبود، مردود است.

۳. سخن در باره صفات الله تعالی همانند سخن در باره ذات اوست و چنان که ما کیفیت ذات پاک او را نمی دانیم، کیفیت صفات نیکوی او را هم درک نمی کنیم، اما به آنها ایمان داریم. ایمانی قطعی و بدون تحریف و رها کردن هیچ یک از آنها و بدون قایل شدن به چگونگی کیفیت و تشبیه نمودن آنها.

۴. اسماء و صفات الله تعالی دارای معانی حقیقی و نه مجازی و معما گونه هستند. آنها بر ذات الله تعالی و صفات کمال که به خداوند قائم هستند دلالت می کنند، مانند قادر، علیم، حکیم، سمیع و بصیر. این نام ها بر ذات الله تعالی و همچنین بر آنچه که بر آن استوار است

۱. تمامی نام های خداوند ارجمند و باعظمت نیکو هستند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: " و خداوند نام های نیکو دارد" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]
خداوند به ذات بلند مرتبه اش خود را برای ما معرفی کرده تا او را بپرستیم و مجد او را بیان کرده و او را دوست بداریم. از او بترسیم و به او امید داشته باشیم.

۲. ثبوت نام ها و صفات خداوند فقط از دو منبع صورت می گیرند که عبارتند از کتاب و سنت و منبع سوم برای آن ها نبوده و به هیچ چیز دیگر اسماء و صفات او ثابت نمی شوند. پس ما برای خداوند ثابت می کنیم آنچه را رسول خدا صلی الله علیه و سلم برای او ثابت کرده و نفی می کنیم آنچه را که خداوند و رسول او صلی الله علیه و سلم نفی کرده است. بنابراین وقتی صفت کمال را برای او ثابت می کنیم ضد آن را از او نفی کرده و آن چه را در باره آن اثبات یا نفی وارد نشده است توقف می کنیم،



نام برده یا به یکی از بندگان آموخته ای و یا در کتابت آن را نازل کرده و یا آن را در علم غیب پیش خودت نگه داشته ای.."

(روایت از احمد است)

۲. برخی از اسماء و نام ها تنها خاص خداوند بوده و هیچ کس در آنها شریک نیست و جایز نیست تا بر کس دیگری اطلاق شوند. مانند، الله و رحمن. و برخی دیگر هستند که می توان به غیر خدا هم اطلاق کرد اگر چه اطلاق آنها بر خداوند با کامل ترین شکل و صفت هستند.

۳. صفات از اسماء گرفته می شوند، هر اسمی صفتی در بر دارد. اما اسمها از صفات گرفته نمی شوند. مثلاً می گوئیم پروردگار "غضب" می گیرد اما نمی گوئیم که پروردگار غضوب است؛ پروردگار پاک و منزّه است.

از قدرت، علم، حکمت، سمع و بصر دلالت می کنند.

۵. تنزیه و پاک کردن خداوند بلند مرتبه از نقایص، تنزیه بدون و انهدادن هر صفت است. نفی عیوب و نقایص از خداوند به شکل کلی و همچنین اثبات کمال به شکل مفصل و جزئی در هر صفت صورت می پذیرد. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست" [سوره شوری آیه ۱۱]

۶. برای ایمان به نام های خداوند: همانگونه که مقتضای ایمان به اسم و صفتی که اسم آن را دربر می گیرد لازمه آن ایمان به اثری است که به آن اسم مرتبط است. اسم رحیم دربرگیرنده این مفهوم است که پروردگار ارجمند و با عظمت دارای صفت رحمت است و او با رحمتش بر بندگان رحم می کند.

در این جا نکات مهمی است که در فهم اسماء و صفات الله تعالی کمک می کنند. عبارتند از:

۱. اسماء خداوند در تعداد محدودی منحصر نیستند و در حدیث آمده است که: "... از تو می پرسم با هر اسمی که خودت را به آن